

گذار از تأمین مالی جیره‌بندی شده و نابرابر به تأمین مالی فراگیر

میثم خسروی؛ دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تهران و کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

me.khosravi@ut.ac.ir

چکیده

مشاهده‌ی داده‌های تأمین مالی بنگاه و خانوار در اقتصاد ایران نشان‌دهنده‌ی چند واقعیت آماری ناگوار است. اول واقعیت مسلم آماری حکایت از جیره‌بندی شدید اعتبار دارد؛ داده‌های بودجه خانوار در سال ۱۳۹۵، نشان می‌دهد که تنها ۱۵ درصد خانوارها تسهیلات دریافت کرده‌اند که نسبت به سال ۱۳۸۷ کاهش یافته است. علاوه بر این بنگاه‌ها نیز در سال‌های اخیر کمیابی تسهیلات را به‌عنوان مهم‌ترین معضل تولید معرفی کرده‌اند. دومین واقعیت آماری نابرابری شدید در دسترسی به تسهیلات بانکی است. تعداد افرادی که در دهک دهم قرار داشته و تسهیلات دریافت کرده‌اند ۹ برابر تعداد افرادی است که در دهک یک قرار داشته و تسهیلات گرفته‌اند. بنابراین "جیره‌بندی و نابرابری در تأمین مالی" را می‌توان یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که نظام بانکی بر اقتصاد ملی تحمیل کرده است عنوان کرد. در این پژوهش علل اصلی مشاهده چنین وضعیتی با روش تحلیلی تبیین شده و نشان داده شده است که ناتوانی بانک مرکزی در ایفای وظایف نظارتی خود زمینه‌ساز بهره‌کشی سهامداران بانک‌ها از رانت خلق پول و کاهش توان تسهیلات دهی بانک‌ها و ناتوانی وی در تنظیم سیاست پولی موجب سرایت جیره‌بندی اعتبار از بازار بین‌بانکی به بازار تسهیلات گردیده است. در پایان سیاست‌ها و اقداماتی برای بهبود وضعیت تأمین مالی فراگیر پیشنهاد شده است که مهم‌ترین آن‌ها اصلاح قوانین پولی و بانکی، اصلاح نظام بانکی و ناترازی، توسعه نهادهای اعتبار سنجی و رتبه‌بندی می‌باشد.

واژگان کلیدی: جیره بندی اعتبار، نابرابری، تأمین مالی تولید، تعارض منافع

مقدمه^۱

تامین مالی مهم‌ترین وظیفه و رسالت بانک‌ها در قبال اقتصاد است و تخصیص بهینه و عادلانه غایت مطالبه‌ای است که هر اقتصادی از شبکه بانکی دارد. در صورتیکه تخصیص بهینه منابع اعتباری اتفاق نیفتد ثبات اقتصاد کلان آسیب می‌بیند و اقتصاد می‌تواند دچار رکود یا تورم شود. تورم، پدیده آشنای ایرانیان در نیم قرن اخیر را می‌توان یکی از عوامل مهم موثر بر تشدید نابرابری تلقی کرد. بنابراین اولین مکانیزم تاثیر بخش مالی بر نابرابری، تورمی است که با تخصیص غیر بهینه پول یا اعتبار توسط نظام بانکی اتفاق می‌افتد. اما گذشته از تورم عوامل دیگری نیز در نابرابری دسترسی خانوارها به خدمات مالی موثر هستند که این گزارش سعی نموده است آن‌ها را شناسایی و احصاء نماید. به طور کلی خدماتی که شبکه بانکی ارائه می‌دهند عبارت است از: (۱) خدمات پرداخت (۲) پس‌انداز و سرمایه‌گذاری (۳) اعطای تسهیلات و تامین مالی. صرف‌نظر از کاستی و کیفیت بسیار پایین آمارهای تولید شده توسط بانک مرکزی و شبکه بانکی در شاخص‌های مربوط به وضعیت دسترسی به خدمات مالی (بانک مرکزی تنها یکبار در سال ۱۳۸۷ یک گزارش مربوط به دسترسی خانوار به خدمات مالی منتشر کرده است)، آمارهای موجود نشان می‌دهد وضعیت کشور در شاخص دسترسی برابر و متوازن به خدمات پرداخت (عمدتاً نقاط خدمات دهی نظیر شعب، پایانه فروشگاهی و خودپرداز) مناسب و قابل قبول است اما در دو خدمت دیگر یعنی پس‌انداز و تامین مالی وضعیت دسترسی به شدت نابرابر و غیر متوازن است. توزیع سپرده‌ها به شدت نابرابر است و بر اساس آمارهای سال ۱۳۹۵، تنها ۲.۵ درصد حساب‌ها ۸۵ درصد از مبلغ سپرده‌ها را در اختیار دارند و از آنجایی که سود سپرده‌ها نیز معاف از مالیات است این شکاف و نابرابری روزافزون گردیده است. وضعیت دسترسی خانوار به تسهیلات نیز وضعیت مشابه و وخیمی دارد تا جاییکه بررسی آمارهای بودجه خانوار نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۵ تنها ۱۵ درصد خانوارها در حال بازپرداخت اقساط تسهیلات بوده‌اند و تعداد افرادی که در دهک دهم قرار داشته و تسهیلات دریافت کرده‌اند ۹ برابر تعداد افرادی است که در دهک یک قرار داشته و تسهیلات گرفته‌اند. علاوه بر خانوارها بنگاه‌ها نیز دسترسی بسیار محدود (فقر) و نابرابری به تسهیلات دارند تا جاییکه گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد که ۵۹ درصد بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور از دسترسی به اعتبار محروم هستند و در سال‌های اخیر تولید کنندگان محدودیت دسترسی به تامین مالی را به عنوان مهم‌ترین مانع کسب و کار خود معرفی نموده‌اند. این گزارش علل اصلی وجود فقر و نابرابری در بخش مالی را در سیاست‌گذاری پولی نامناسب و تعارض منافع بانک مرکزی با بانک‌ها که خود موجب نظارت ضعیف وی گردیده است می‌داند. سیاست‌گذاری پولی نامناسب موجب جیره بندی اعتبار در شبکه بانکی و هم چنین در برخی از موارد موجب افزایش نرخ بهره واقعی گردیده است خود بر نابرابری سپرده‌ها دمیده است. جیره‌بندی

^۱ این مقاله مستخرج از گزارشی است که نگارنده برای معاونت رفاه وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی تدوین نموده است.

اعتبار نیز موجب شده است علاوه بر اینکه مازاد تقاضای تسهیلات شکل بگیرد، دریافت تسهیلات و رسیدن به اول صف دریافت تسهیلات محلی برای امضای طلایی و فساد باشد. تعارض منافع بانک مرکزی با بانکها موجب تصاحب یا تسخیر مقام ناظر توسط اشخاص تحت نظارت و مانع نظارت مقتدرانه بانک مرکزی گردیده است. عدم نظارت مقتدرانه نیز موجب شده است اشخاص مرتبط با بانکها (سهامداران، شرکت های زیر مجموعه و ...) دسترسی بهتری به تامین مالی داشته باشند و نابرابری در دسترسی به خدمات مالی شکل بگیرد. از طرفی عدم نظارت مقتدرانه و برخورد جدی با بانک های ناسالم موجب ایجاد جنگ نرخ سود در بازار پول و افزایش نرخ بهره گردید که این مساله نیز علاوه بر تشدید نابرابری سپرده ها موجب ناترازی شبکه بانکی و کاهش توان تسهیلات دهی آنها گردید. در پایان سیاست گذاری های انجام شده برای رفع فقر و نابرابری در بخش مالی احصا شده و ضمن آسیب شناسی پیشنهادهای مربوط ارائه گردیده است. با توجه به اینکه نابرابری در بخش مالی و بازار پول در شاخص های متعارف اندازه گیری فقر چندبعدی تعریف نشده است، می توان از شاخص های توسعه ای مالی و توزیع این شاخص ها در دهک های مختلف یا مناطق مختلف استفاده کرد.

با این توضیحات، توسعه مالی که موجب کاهش نابرابری شده باشد را می توان ذیل یک شبکه بانکی تحت مقررات و نظارت مقتدرانه بانک مرکزی و همچنین واجد اهتمام به مقوله بانکداری اجتماعی انتظار داشت. متأسفانه تعارض منافع شدید و چند لایه در ساختار مقام ناظر بر شبکه بانکی کشور موجب شده است که توسعه مالی که در سالهای اخیر اتفاق افتاده است به شدت زمینه ساز نابرابری و عامل گسترش فقر گردیده است.

شاخص های نابرابری:

شمول مالی^۱ به معنای میزان دسترسی خانوارها و بنگاه ها به خدمات و محصولات مالی مورد نیاز از جمله خدمات پرداخت، دریافت تسهیلات، پس انداز و بیمه است^۲ که می تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رفاه خانوار موثر واقع می شود. پراکندگی این شاخص در طبقات مختلف اجتماعی می تواند زوایای نابرابری در بخش مالی را واضح کند.

شمول مالی را می توان بر اساس نوع خدمت مالی در سه سطح طبقه بندی کرد. به تعبیر روشن تر برای اندازه گیری دقیق نابرابری شمول مالی باید ماتریس زیر را برای هر دهک هزینه ای جامعه تهیه و نتایج را

^۱ Financial inclusion

^۲ World Bank definition: <https://www.worldbank.org/en/topic/financialinclusion/overview#>

باهم مقایسه کرد^۱:

جدول ۱: ماتریس شاخص‌ها

دهک ...	دسترسی	استفاده	کیفیت
خدمات پرداخت الکترونیک			
سرمایه‌گذاری و پس‌انداز			
بیمه			
دریافت تسهیلات			

آنچه ماتریس فوق نشان می‌دهد حاکی از این است که ارزیابی شمول مالی در خصوص دریافت تسهیلات را نباید تنها به دسترسی محدود کرد بلکه استفاده خانوار از این خدمت و کیفیت عرضه این خدمت نیز باید مدنظر قرار گیرد. به عنوان نمونه در شبکه بانکی ممکن است محدودیتی برای دریافت تسهیلات وجود نداشته باشد و تمام آحاد جامعه به آن دسترسی داشته باشند اما به دلیل عدم آگاهی یا شروطی که برای استفاده از این خدمت قرار داده شده افراد نتوانند از آن استفاده کنند.

پژوهشکده پولی و بانکی شاخص‌های مربوط به درایه‌های مختلف را بر اساس گزارش مشارکت جهانی برای شمول مالی^۲ استخراج کرده است که در این بین بر اساس آمار و ارقام موجود در گزارش‌ها تنها می‌توان ردیف‌های را اندازه‌گیری و مقایسه کرد لذا صرفاً شاخص‌های ناظر به آن درایه‌ها به شرح زیر هستند:

جدول ۲: شاخص‌های توسعه مالی

ردیف	شاخص	بعد
۱	شعب	دسترسی
۲	پایانه فروشگاهی	دسترسی
۳	خودپرداز	دسترسی
۴	تراکنش بدون پول نقد	استفاده
۵	بسامد زیاد استفاده از حساب	استفاده
۶	استفاده تراکنشی از موبایل	استفاده
۷	تعداد افراد فاقد حساب بانکی در مناطق مختلف	دسترسی
۸	انتقال پول	استفاده
۹	هزینه افتتاح حساب	کیفیت
۱۰	هزینه انتقال اعتبار	کیفیت

^۱ World Bank; Financial inclusion strategies – reference Framework, ۲۰۱۲

^۲ GPFI. (۲۰۱۳). G ۲۰ Financial Inclusion

استفاده	میانگین روزهای انتظار دریافت تسهیلات	۱۱	خدمات تسهیلات
استفاده	سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از مانده تسهیلات	۱۲	
استفاده	توزیع جغرافیایی و دهکی مانده تسهیلات	۱۳	
استفاده	نسبت تسهیلات اشخاص مرتبط	۱۴	
کیفیت	موانع اعتباری: وثیقه گذاری	۱۵	
کیفیت	موانع اعتباری: موانع اطلاعاتی	۱۶	
استفاده	نسبت پس انداز	۱۷	خدمات سرمایه گذاری
استفاده	توزیع مبلغ سپرده‌ها در مقیاس حساب‌های سپرده	۱۸	
استفاده	تعداد افراد بیمه شده	۱۹	خدمات بیمه
کیفیت	دانش مالی	۲۰	سایر
کیفیت	رفتار مالی	۲۱	
کیفیت	حل اختلاف	۲۲	
کیفیت	الزامات افشاء	۲۳	

وضعیت نابرابری بخش مالی در داده‌های اقتصاد ایران

شبکه بانکی سه خدمت عمده ارائه می‌کند (۱) خدمات پرداخت (۲) تامین مالی (تسهیلات) (۳) سرمایه گذاری (سپرده های سرمایه گذاری). در این بخش به وضعیت نابرابری موجود در ارتباط با این سه خدمت پرداخته می‌شود. هدف از پرداختن به مقوله خدمات پرداخت نیز این است که وقتی از نابرابری در بخش مالی حرف به میان می‌آید اذهان به سوی شعب بانک‌ها در مناطق محروم و یا دسترسی به دستگاه خودپرداز منحرف می‌شود در حالیکه داده‌های موجود در این رابطه وجود نابرابری شدید در نقاط دسترسی به خدمات پرداخت تایید نمی‌کنند. در ادامه مشخص خواهد شد که نابرابری آزاردهنده در بخش خدمات مالی در کدام نوع از خدمات بانک وجود دارد؟

نقاط خدمات‌دهی: شعب

در خصوص دسترسی افراد به خدمات پرداخت و ... توزیع جغرافیایی شعب بانک‌ها و موسسات اعتباری یکی از شاخص‌ها بود که در بخش پیش معرفی شد. جدول زیر بر اساس آمارهای سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد ۹۵ درصد شعب بانک‌ها و موسسات اعتباری در مناطق شهری هستند و تنها ۵ درصد شعب در مناطق روستایی تاسیس شده‌اند در حالیکه ۳۴ درصد جمعیت کشور در آن سال در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند. نکته دیگر اینکه از ۵ درصد شعبی که در مناطق روستایی فعال هستند ۴۰۱ درصد آن‌ها متعلق به بانک‌های

کشاورزی و صادرات است و سایر بانکها تنها ۲۰۷ شعبه در کل مناطق روستایی کشور دارند.

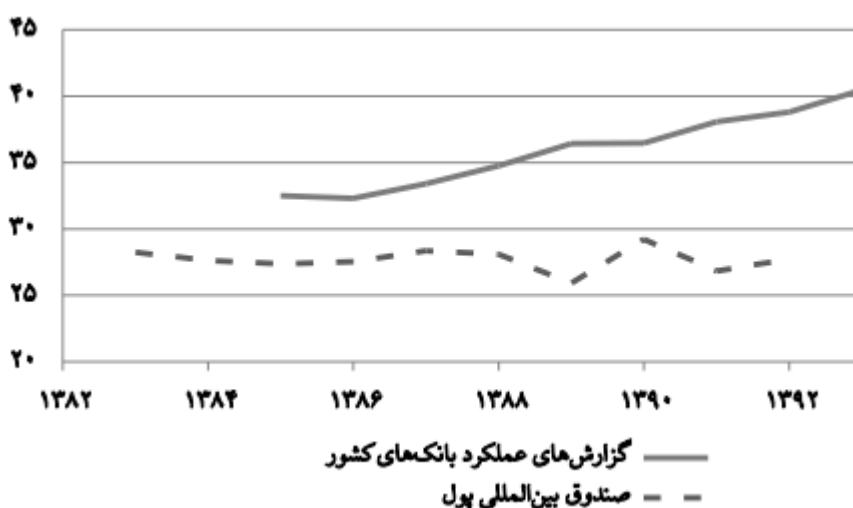
جدول ۳: توزیع شعب در مناطق کشوری

نوع	تعداد شعب	درصد از کل شعب
مناطق شهری	۱۹,۴۲۶	۹۵
جمع شعب شهری		
بانک کشاورزی	۴۷۱	۲/۳
بانک صادرات	۳۶۸	۱/۸
سایر بانکها	۲۰۷	۰/۹
جمع شعب روستایی	۱,۰۴۶	۵
جمع	۲۰,۴۷۲	۱۰۰

ماخذ: مرکز پژوهشها، گزارش به شماره مسلسل ۱۵۲۰۹

سری زمانی شاخص تعداد شعب بانکها به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر نیز به شرح زیر است، پژوهشکده پولی و بانکی بر اساس گزارش عملکرد موسسه آموزش عالی بانکداری تعداد شعب را در سالهای گذشته با تعداد شعب اعلام شده از سوی صندوق بین المللی پول مقایسه کرده است و به این نتیجه رسیده که اطلاعات IMF منطبق با گزارشهای بانک و موسسات اعتباری نیست لذا بر خلاف دادههای IMF روند تعداد شعب به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر در سالهای ۸۵ به بعد همواره صعودی بوده است.

نمودار ۱: تعداد شعب به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر



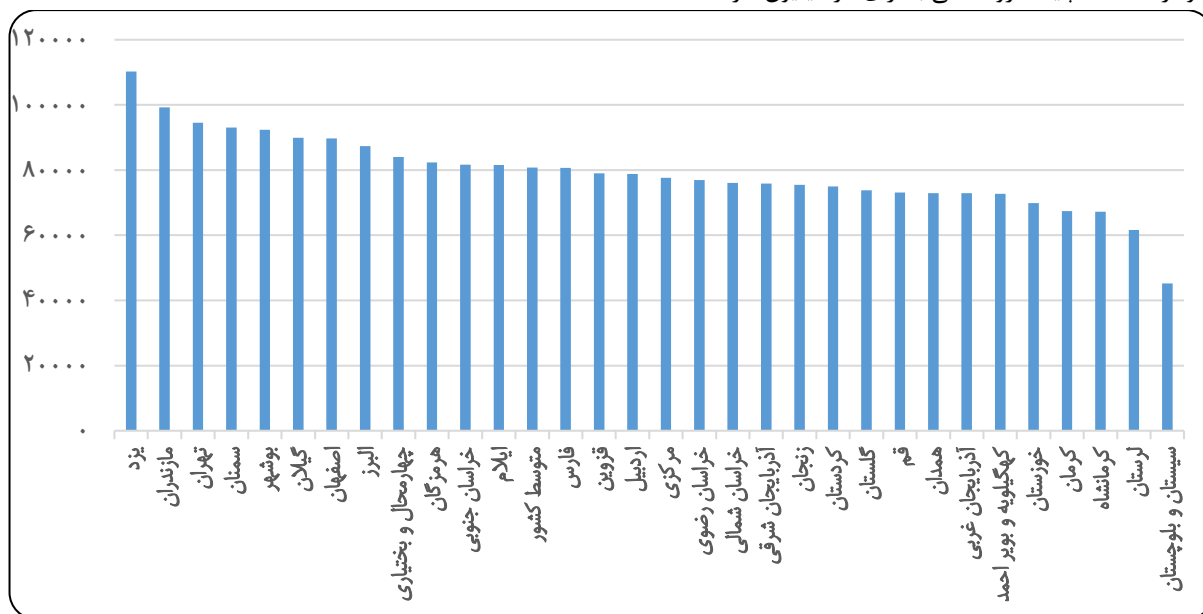
ماخذ: (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۴)

نقاط خدماتدهی : پایانه فروشگاهی

گزارش اقتصادی شاپرک که از سوی بانک مرکزی نیز منتشر می شود نشان می دهد توزیع پایانههای

فروشگاهی نیز به عنوان دیگر نقطه خدمات دهی توزیع جغرافیایی نامتوازی دارد^۱.

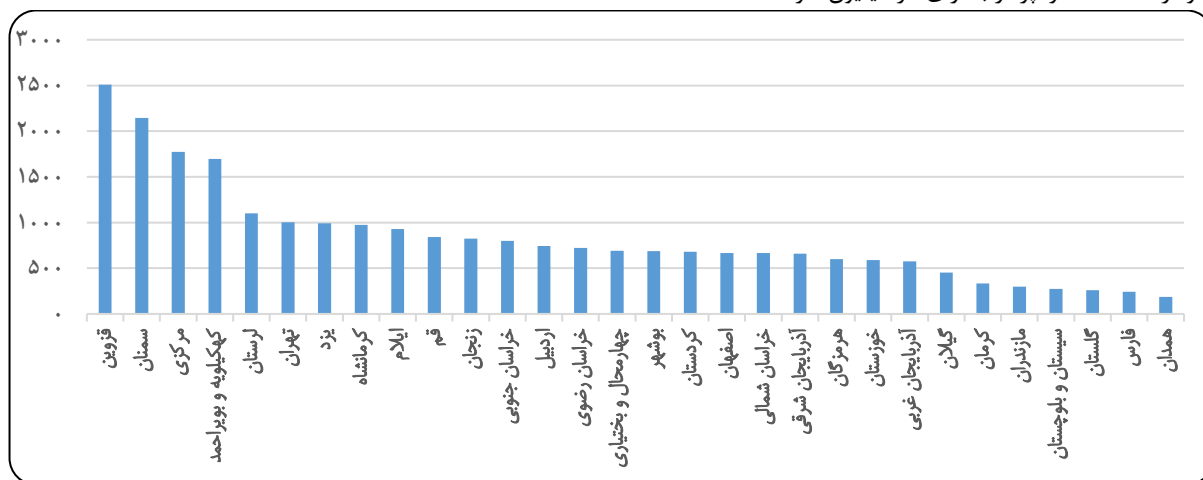
نمودار ۲: تعداد پایانه فروشگاهی به ازای هر میلیون نفر



نقاط خدمات دهی: خودپرداز

آمارهای بانک مرکزی در خصوص توزیع جغرافیایی تعداد خودپردازها به ازای هر میلیون نفر نیز به شرح زیر است:

نمودار ۳: تعداد خودپرداز به ازای هر میلیون نفر



^۱ البته این نابرابری توصیف شده شاید غلط انداز باشد زیرا پایانه خرید بیشتر از اینکه به تراکم جمعیت وابسته باشد به تراکم کسب و کار وابسته است.

توزیع جغرافیایی شاخص دسترسی به خدمات مالی در رابطه با خودپرداز متوازن تر از این شاخص در رابطه با پایانه فروشگاهی است.

خدمات تسهیلات: سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از مانده تسهیلات

مهمترین خدمت شبکه بانکی به اقتصاد اعطای اعتبار به خانوارها و بنگاه‌ها است که هموارسازی مصرف برای خانوار و توسعه اقتصادی را برای بخش واقعی اقتصاد امکان‌پذیر می‌کند. با این مقدمه وزن این سرفصل از خدمات در ایجاد رفاه اجتماعی و فقر زدایی بسیار بیشتر از سایر خدمات مالی برآورد میشود در حالیکه متاسفانه به دلایل مختلف که به بخشی از آن‌ها در بخش بعد اشاره خواهد شد شبکه بانکی کشور وضعیت اسفباری دارد و نیازمند عنایت و توجه ویژه سیاست‌گذار پیگیر موضوع فقر است.

گزارشی در سلسله گزارش‌های مبنای این تحقیق به آمار میزان تسهیلات دریافتی بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران نپرداخته است اما در این راستا به چند نکته می‌توان اشاره کرد:

منطقه جنوب غرب آسیا و از جمله ایران از زمره کشورهایی هستند که بیش از ۵۹ درصد بنگاه‌های کوچک و متوسط آن‌ها از اعتبارات بانکی محروم هستند.

میزان دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط به منابع مالی در سراسر جهان



ماخذ: گزارش مرکز پژوهش‌ها به شماره مسلسل ۱۴۳۸۰.

گزارش پایش محیط کسب و کار مرکز پژوهش‌ها در سال ۱۳۹۵ نیز نشان می‌دهد به طور کلی نامساعدترین مولفه فضای کسب و کار از نظر بنگاه‌ها مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها بوده است.

جدول ۴: موانع کسب و کار

عنوان	زمستان ۱۳۹۴	ارزیابی	بهار ۱۳۹۵	ارزیابی	تابستان ۱۳۹۵	ارزیابی	پاییز ۱۳۹۵	ارزیابی	زمستان ۱۳۹۵	ارزیابی
مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۷۵	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۹۰	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۵۸	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۶۶	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۶۲	ارزیابی
ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی	۷/۲۳	ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی	۷/۲۷	ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی	۷/۳۱	ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی	۷/۲۵	ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی	۷/۳۷	ارزیابی
نامساعدترین مؤلفه های ارزیابی شده طی ۵ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۵ (۱۰ بدترین ارزیابی)	۶/۹۲	وجود مفاسد اقتصادی در دستگاه های حکومتی	۷/۲۰	وجود مفاسد اقتصادی در دستگاه های حکومتی	۷/۱۵	وجود مفاسد اقتصادی در دستگاه های حکومتی	۷/۰۰	وجود مفاسد اقتصادی در دستگاه های حکومتی	۷/۳۱	ارزیابی
بی تمهیدی شرکتها و مؤسسات دولتی به پرداخت به موقع بدهی خود به پیمانکاران	۶/۸۶	بی تمهیدی شرکتها و مؤسسات دولتی به پرداخت به موقع بدهی خود به پیمانکاران	۶/۸۹	بی تمهیدی شرکتها و مؤسسات دولتی به پرداخت به موقع بدهی خود به پیمانکاران	۶/۸۹	بی تمهیدی شرکتها و مؤسسات دولتی به پرداخت به موقع بدهی خود به پیمانکاران	۶/۶۹	بی تمهیدی شرکتها و مؤسسات دولتی به پرداخت به موقع بدهی خود به پیمانکاران	۷/۱۷	ارزیابی
ضعف زیرساخت های تأمین برق	۴/۰۸	ضعف زیرساخت های تأمین برق	۴/۰۰	ضعف زیرساخت های تأمین برق	۳/۸۰	ضعف زیرساخت های تأمین برق	۳/۶۶	ضعف زیرساخت های تأمین برق	۴/۰۰	ارزیابی
ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف کننده	۴/۹۶	ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف کننده	۴/۶۹	ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف کننده	۴/۸۸	ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف کننده	۴/۷۵	ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف کننده	۴/۸۵	ارزیابی
ضعف زیرساخت های حمل و نقل	۴/۹۸	ضعف زیرساخت های حمل و نقل	۴/۸۷	ضعف زیرساخت های حمل و نقل	۴/۹۲	ضعف زیرساخت های حمل و نقل	۴/۸۱	ضعف زیرساخت های حمل و نقل	۴/۸۶	ارزیابی
کمبود نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده*	۵/۰۸	کمبود نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده*	۵/۰۱	کمبود نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده*	۵/۱۶	کمبود نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده*	۴/۸۴	کمبود نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده*	۵/۱۴	ارزیابی

ماخذ: گزارش مرکز پژوهش ها به شماره مسلسل ۱۵۴۴۳

خدمات تسهیلات: دسترسی بهتر بنگاه های زیر مجموعه بانکها

تقسیم بندی دیگری که می تواند شهودی از میزان نابرابری در دریافت تسهیلات از سوی شرکتها ارائه نماید میزان تأمین مالی شرکت های وابسته به بانکهاست. این داده نیز متأسفانه از سوی بانک مرکزی تجمیع و منتشر نمی شود لکن با استفاده از صورتهای مالی حسابرسی شده بانکها می توان این مقوله را برای بانکها حساب کرد. البته به دلیل خوداظهاری این اعداد و ارقام پیش بینی کم برآوردی وجود دارد. به عنوان نمونه جدول زیر میزان مانده تسهیلات دریافتی شرکت های مرتبط با بانک پاسارگاد را نشان می دهد که ۴۷ درصد تسهیلات این بانک در اختیار شرکت های مرتبط با وی قرار گرفته است.

جدول ۵: تسهیلات اعطایی به شرکت های مرتبط با بانک پاسارگاد

نام شرکت	مانده تسهیلات و تعهدات دریافتی (م.م.ت)
۱ میدکو (هلدینگ خاورمیانه)	۱۵/۴
۲ ارزش آفرینان پاسارگاد	۷/۴
۳ تأمین مسکن پاسارگاد	۵/۱
۴ گسترش انرژی پاسارگاد	۴/۵
۵ پارس آریان	۰/۹
۶ فناپ	۱/۱

۷	مپنا	۱
۸	توسعه تجارت غرب ایرانیان	۱
۹	تامین آتیه کارکنان پاسارگاد	۰/۸۷
مجموع		۳۷.۵

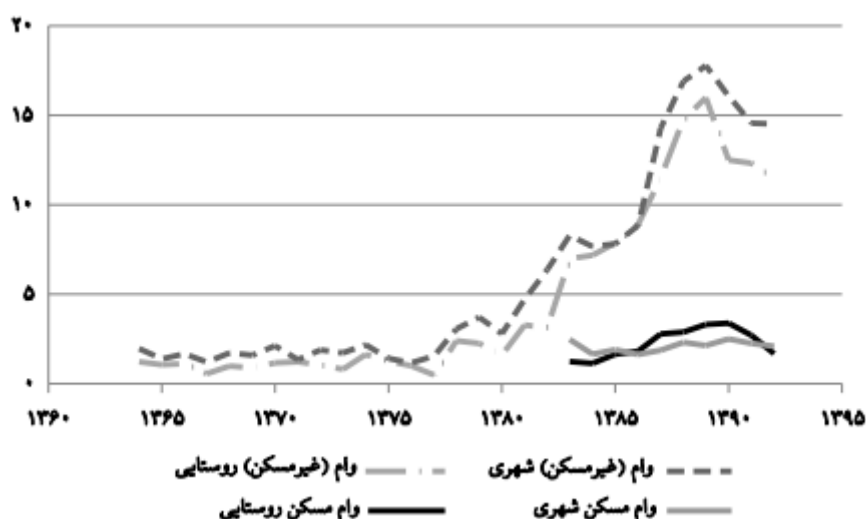
ماخذ: صورتهای مالی حسابرسی شده ۱۳۹۷

علاوه بر این زمانیکه بانک سهامدار و ذینفع اصلی یک شرکت در یک بخش اقتصادی باشد اساساً از ارائه خدمات و تقویت بنگاه‌های رقیب وی خودداری می‌کند و این خود بر نابرابری دریافت تسهیلات دامن خواهد زد.

خدمات تسهیلات: میزان استفاده خانوار از تسهیلات بانکی

پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی بر اساس داده‌های خام بودجه خانوار نسبت استفاده خانوارهای ایرانی از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۲ را برآورد کرده است و نشان داده است که در بهترین حالت در سال ۱۳۸۹ تنها ۱۷ درصد خانوارهای شهری ایرانی در حال بازپرداخت تسهیلات بوده‌اند و این نسبت از سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ صعودی ولی نوسانی بوده است. هم‌چنین بررسی داده‌های بودجه خانوار در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد در این سال تنها ۱۲ درصد خانوارها در حال باز پرداخت تسهیلات بوده‌اند که کاهش دسترسی خانوار به تسهیلات را نسبت به سال ۸۹ نشان می‌دهد^۱.

نمودار ۴: نسبت خانوارهای دریافت کننده تسهیلات به کل خانوارها



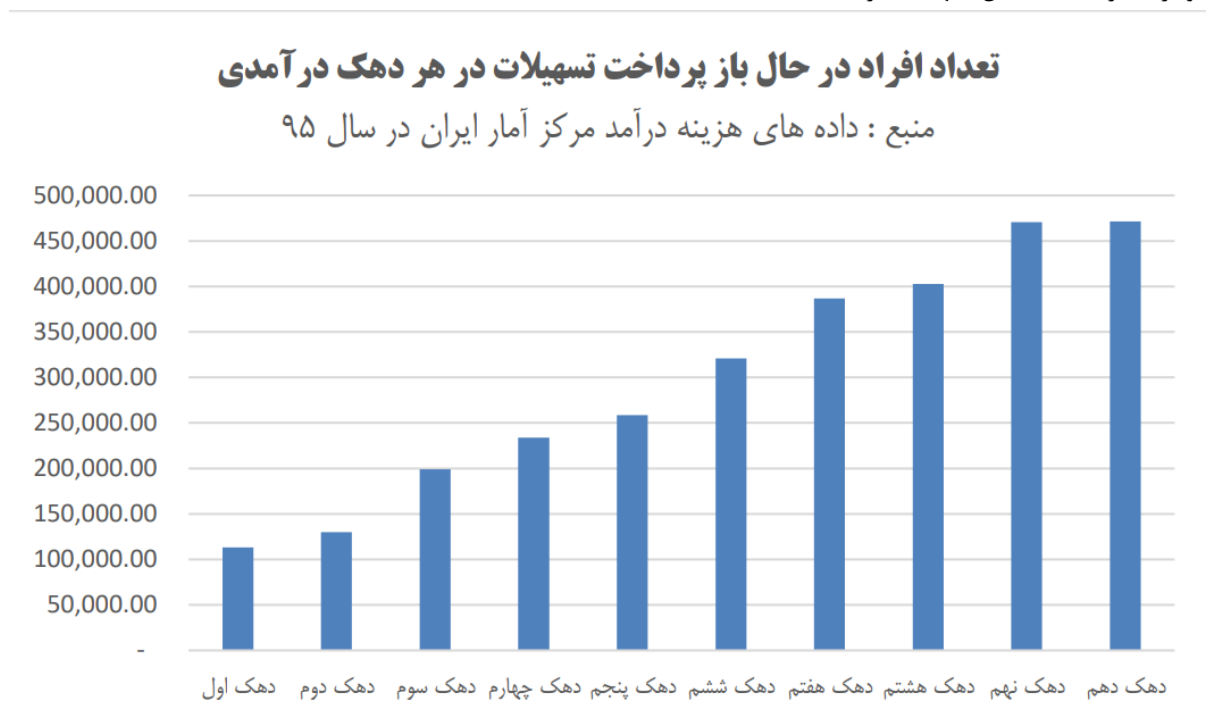
ماخذ: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۴

^۱ گزارش تلفیق و تلخیص مطالعات سند توانمندسازی محرومان و فقرا در ایران، معاونت رفاه و خدمات اجتماعی.

توزیع دهکی مانده تسهیلات دریافتی

نمودار زیر که از داده‌های بودجه خانوار سال ۱۳۹۵ استخراج شده نشان می‌دهد تعداد افرادی که در دهک دهم قرار داشته و تسهیلات دریافت کرده‌اند ۹ برابر تعداد افرادی است که در دهک یک قرار داشته و تسهیلات گرفته‌اند. نمودار زیر به این معناست که ثروتمندان در مقایسه با فقیران استفاده بیشتری از تسهیلات بانکی دارند.

نمودار ۵: دریافت کنندگان تسهیلات در دهک های مختلف



ماخذ: (ربیعی، ۱۳۹۸)

خدمات سرمایه گذاری و پس انداز: توزیع جغرافیایی سپرده‌ها

جدول زیر نشان می‌دهد ۵۴ درصد سپرده‌ها در استان تهران ثبت شده است و این استان بیشترین سهم را در این شاخص دارد. کهگیلویه و بویر احمد نیز با ۰.۲۶ درصد کمترین سهم از کل سپرده‌های شبکه بانکی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۶: توزیع جغرافیایی مانده سپرده در اسفند ماه ۹۷

ردیف	نام استان	سپرده‌ها	ردیف	نام استان	سپرده‌ها
سهم از سپرده ها					

۱	کهگیلویه و بویراحمد	۰.۲۶	۱۷	مرکزی	۱.۰۳
۲	ایلام	۰.۳۱	۱۸	مناطق آزاد تجاری	۱.۱۵
۳	خراسان جنوبی	۰.۴۳	۱۹	گلستان	۰.۸۰
۴	خراسان شمالی	۰.۳۴	۲۰	یزد	۱.۱۴
۵	سیستان و بلوچستان	۰.۷۸	۲۱	کرمانشاه	۱.۰۵
۶	کردستان	۰.۵۶	۲۲	آذربایجان غربی	۱.۳۸
۷	بوشهر	۱.۱۰	۲۳	البرز	۲.۰۹
۸	اردبیل	۰.۵۷	۲۴	گیلان	۱.۶۳
۹	چهارمحال و بختیاری	۰.۵۵	۲۵	کرمان	۱.۸۳
۱۰	سمنان	۰.۵۹	۲۶	خوزستان	۳.۳۲
۱۱	زنجان	۰.۶۴	۲۷	آذربایجان شرقی	۲.۷۴
۱۲	قم	۱.۰۹	۲۸	مازندران	۲.۴۴
۱۳	همدان	۰.۹۲	۲۹	فارس	۴.۲۰
۱۴	هرمزگان	۰.۹۲	۳۰	خراسان رضوی	۴.۶۰
۱۵	لرستان	۰.۷۱	۳۱	اصفهان	۵.۱۸
۱۶	قزوین	۰.۸۲	۳۲	تهران	۵۴.۸۳

ماخذ: گزارش مرور نظام مالی زمستان ۹۷ ، منتشر نشده.

جدول زیر نشان می‌دهد تنها ۲۵ درصد افراد در سال ۱۳۸۷ حساب سپرده سرمایه گذاری داشته اند و استفاده می‌کردند و ۶۶ درصد افراد تا سال ۱۳۸۷ حساب سپرده سرمایه گذاری نداشته اند. رایج ترین نوع سپرده گذاری در آن تاریخ حساب سپرده قرض الحسنه پس انداز بوده است که ۶۲ درصد افراد از آن استفاده می‌کردند.

جدول ۷: میزان استفاده از خدمات پس انداز و سرمایه گذاری بانکی

انواع حساب	حساب قرض الحسنه پس انداز	حساب سپرده سرمایه گذاری (کوتاه مدت و بلند مدت)	حساب سپرده جاری
هیچ وقت نداشته اند	۲۱/۳	۶۶/۱	۷۲/۱
قبلاً داشته اند	۸/۵	۶/۵	۴/۳
الان دارند و استفاده نمی کنند	۷/۶	۱/۹	۱/۳
الان دارند و استفاده می کنند	۶۲/۶	۲۵/۵	۲۲/۳
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

ماخذ: گزارش بانک مرکزی، ۱۳۸۷

خدمات سرمایه گذاری و پس انداز: توزیع مانده سپرده ها

در سال گذشته آماری از سوی ریاست مرکز پژوهش های مجلس اعلام شد که نشان می دهد ۸۵ درصد از مبلغ سپرده ها متعلق به ۲.۵ درصد از حساب های سپرده ای است. از آنجایی که در کشور هر فرد به طور متوسط ۵ حساب سپرده دارند و احتمالاً افرادی که سپرده های کلان دارند تعداد حساب های سپرده ای بیشتری دارند به نظر می رسد چولگی سپرده ها بر اساس افراد نابرابرتر از رقم پیش گفته باشد.

جمع بندی آمارهای نابرابری در بخش مالی:

بررسی شاخص های مختلف دسترسی خانوار و بنگاه ها در این بخش نشان داد نابرابری در دو حوزه از خدمات مالی بسیار شدید است. حوزه اول دسترسی خانوار به تسهیلات و دومین حوزه دسترسی به خدمات سرمایه گذاری است که با توزیع بسیار نابرابر مانده سپرده ها همراه شده است. در خصوص نقاط ارائه خدمات نابرابری غیر طبیعی (تناسب با تعداد بنگاه ها و جمعیت) وجود ندارد.

تحلیل و تشریح علل نابرابری در بخش مالی

همانگونه که در بخش های پیش مشخص شد، مهم ترین مصداق نابرابری در بخش مالی، دسترسی نابرابر خانوارها و بنگاه ها به تسهیلات بانکی و توزیع نابرابر سپرده ها است و در سایر مصادیق خدمات مالی، وضعیت

کشور را در مقایسه با سایر کشورها می توان وضعیت مناسبی ارزیابی کرد. البته مطالعات نظری و بنیادین نشان می دهد که علت اصلی چولگی سپرده ها در کشور دو مقوله است:

(۱) نرخ سود حقیقی بالا

(۲) چولگی تسهیلات دریافتی

بنابراین در صورتیکه چرایی چولگی تسهیلات و نرخ سود حقیقی بالا مشخص شود، علت اصلی توزیع نابرابر سپرده ها نیز مشخص خواهد شد. با این توضیحات در این بخش به علل نابرابری تسهیلات دریافتی و بالابودن نرخ سود حقیقی در سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ پرداخته می شود. مهمترین دلایل را می توان به شرح زیر دسته بندی کرد:

۱- عوامل تشدیدکننده جیره بندی اعتبار

۲- نظارت ضعیف و دور از اقتدار بانک مرکزی

جیره بندی شدید اعتبار یا مازاد تقاضای تسهیلات در بازار اعتبار موجب می شود خانوار یا بنگاهی که نفوذ و قدرت سیاسی یا توانمندی کمتری در اقناع بانک ها برای دریافت تسهیلات دارد از دستیابی به آن محروم شود. اساساً هرگاه بازار تسویه نشود و تخصیص با تعادل همراه نشود، زمینه ساز رانت جویی، دستیابی غیر شایسته سالارانه و نابرابر به منابع می گردد و بازار اعتبار هم از این قاعده مستثنا نیست. در این بخش از گزارش به علل اصلی جیره بندی اعتبار در کشور اشاره می شود.

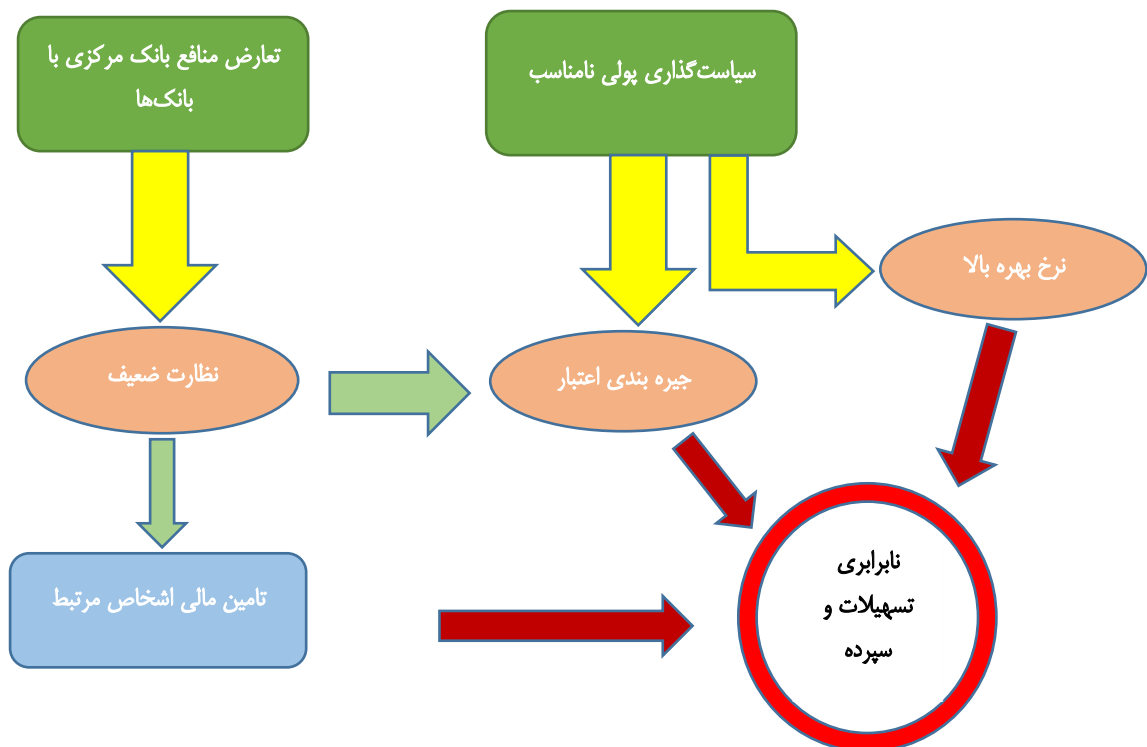
چگونگی تأثیرگذاری نظارت بانک مرکزی بر ایجاد فرصت های برابر دستیابی به تسهیلات نیز در ابتدای گزارش مورد بررسی قرار گرفت. به دلیل شکست های متعدد و پیچیده در بازار اعتبار در صورتی که شاهد مقررات گذاری و نظارت بانک مرکزی بر بانک ها نباشیم نظام تامین مالی خود دامن زننده به نابرابری خواهد بود، برخی از مقررات احتیاطی خرد علاوه بر استحکام بانک، مانع بهره کشی شخصی سهامداران و مدیران می شوند و در صورتی که بانک مرکزی نتواند نظارت موثری در این رابطه داشته باشد، بانک تنها افراد وابسته به خود را تامین مالی کرده و فربه تر می سازد. اعطای انحصار خلق پول باید با مقررات گذاری دقیق و نظارت مقتدرانه همراه شود که متأسفانه بانک مرکزی به عنوان مقام ناظر در چنین مقوله به هیچ عنوان توفیقی نداشته است. خصوصی سازی بانک ها در اوایل دهه هشتاد زمانی اتفاق افتاد که بانک مرکزی الفبای نظارت و مقررات گذاری را نیز تمرین نکرده بود و موجب شد قدرت خلق پول به دست کسانی بیفتد که منافع آن را به سوی خود و گروه خود سوق داده و بر نابرابری دامن بزنند. مهمترین عامل عدم نظارت مقتدرانه و اثربخش بانک مرکزی بر بانک ها تعارض منافع شدید و فراگیر حاکم بر بانک مرکزی است تعارض منافی که موجب

شده است تخلف بانک‌ها به نفع بانک مرکزی بوده و ورشکستگی آن‌ها (به عنوان ضمانت اجرای مقررات بانک مرکزی) به زیان بانک مرکزی باشد.

علاوه بر مکانیزم ممانعت از بهره‌کشی سهامداران از رانت خلق پول به نفع خود، نظارت ضعیف بانک مرکزی موجب شده است، کنترل کل‌های پولی نیز از دست بانک مرکزی خارج شود و عملاً سیاست پولی منفعل شود که پیامد آن تحمیل تورم بالا به اقتصاد و دامن زدن به نابرابری و فقر است.

نکته‌ی دیگر در این راستا این است که علت اصلی افزایش نرخ بهره حقیقی در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ نیز نظارت ضعیف بانک مرکزی بر بانک‌ها و رویکرد انقباضی این بانک در سیاست پولی بوده است که موجب شد نرخ بهره بین بانکی به شدت افزایش یابد و در این میان رقابت مخرب بر نرخ سود سپرده‌ها شکل بگیرد و نرخ سود حقیقی در بازار پول بسیار بیشتر از نرخ سود دستوری اعلام شده توسط بانک مرکزی رقم بخورد.

در یک نگاه عمیق‌تر و در پاسخ به این سوال که چرا جیره‌بندی شدید اعتبار و نظارت دور از اقتدار بانک مرکزی را شاهد هستیم باید به تعارض منافع و عدم وجود سیاست پولی اثربخش در کشور، اشاره کرد که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.



تعارض منافع بانک مرکزی با شبکه بانکی

مجموعه‌ای از شرایط که موجب می‌گردد تصمیمات و اقدامات حرفه‌ای، تحت تأثیر یک منفعت ثانویه قرار گیرد را تعارض منافع می‌نامند، تعارض منافع زمانی مصداق می‌یابد که منافع یک کارگزار با منافع حاکمیت یا سازمان مربوطه‌اش تضاد پیدا کرده و او مجبور به انتخاب بین منافع شخصی یا سازمانی باشد. نطفه‌ی هر فسادى در بستر و زمینه یک تعارض منافع شکل می‌گیرد و برای پیشگیری از وقوع فساد توجه به مساله تعارض منافع و حل آن در هر سازمانی ضرورت دارد. بانک مرکزی نیز از این قاعده مستثنی نیست و به دلیل واگذاری اختیارات فراوان از سوی حاکمیت، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های بروز تعارض منافع می‌باشد. تعارض منافع به دو دسته کلی تعارض منافع شخص محور و سازمان محور تقسیم می‌شود:

در تعارض منافع شخص محور، به علت برخی ویژگی‌های مربوط به شخصی که در مناصب حاکمیتی قرار گرفته (روابط خانوادگی، روابط سهامداری، اشتغال و...)، منافع شخص در تعارض با منافع حاکمیت و عموم مردم قرار می‌گیرد. به عنوان مثال می‌توان فردی را در نظر گرفت که از یک طرف در یک وزارتخانه دولتی که قرار است، برای خرید یک محصول مناقصه برگزار کند، دارای پست حاکمیتی باشد و از طرف دیگر خودش یا خویشاوندانش در شرکتی باشند که آن محصول را عرضه کرده و در مناقصه شرکت خواهد کرد، این مورد یکی از مصادیق تعارض منافع شخص محور قلمداد می‌گردد. اما تعارض منافع سازمان محور در مورد ترجیح منافع یک سازمان بر منافع حاکمیت یا عموم مردم مصداق پیدا می‌کند. به عنوان مثال ممکن است سازمان (الف) به عنوان مجری یک طرح توسط حاکمیت انتخاب شود و شرکت (ب) که زیرمجموعه سازمان (الف) است نیز از جانب حاکمیت مسئولیت ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت طرح را برعهده بگیرد یا اینکه شرکت (ب) مسئولیت مطالعات محیط زیستی پروژه‌ای را برعهده می‌گیرد که پیمانکار آن سازمان (الف) است. در این موقعیت‌ها شرکت (ب) در معرض تعارض منافی قرار گرفته که آن را با عنوان تعارض منافع سازمان محور معرفی می‌کنیم.^۱

تعارض منافع بانک مرکزی با بانک‌ها با توجه به شأن نظارتی بانک مرکزی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و با مکانیزمی که توضیح داده شد بر نابرابری موثر می‌شود. تعارض منافع بانک مرکزی با بانک‌ها را می‌توان به دو دسته سازمانی و مالی تقسیم کرد که در ادامه توضیح داده شده است. به طور کلی تعارض منافع بانک مرکزی با بانک‌ها را به دو دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

۱. تعارض منافع ساختاری که به ارتباط سازمانی بانک مرکزی با بانک‌ها باز می‌گردد:

یکی از مصادیق این تعارض منافع که به اتحاد ناظر با اشخاص تحت نظارت مشهور است، در هیات انتظامی

^۱ تعارض منافع ۱. دسته بندی و مفهوم شناسی گزارش مرکز پژوهش‌ها به شماره مسلسل ۱۵۴۴۸

بانک‌ها بروز یافته است. یک عضو از سه عضو هیات انتظامی بانک‌ها که مرجع رسیدگی به تخلفات بانک‌ها از قانون پولی و بانکی کشور، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های بانک مرکزی است، از مدیران عامل بانک‌ها انتخاب می‌شود و در واقع نماینده‌ای از خود بانک‌ها در خصوص تعیین مجازات بانک‌های متخلف و هم صنفان خود تصمیم‌گیری خواهد کرد. این پدیده یکی از واضح‌ترین مصادیق تعارض منافع سازمان‌محور تلقی می‌گردد و تحت عنوان اتحاد چراکه افرادی در هیات انتظامی بانک مرکزی به تخلفاتی که خود یا هم‌صنفان خود انجام داده‌اند رسیدگی خواهند کرد و منافع سازمان خود را بر بانک مرکزی ترجیح می‌دهند. خروجی چنین سیستمی این شده که از ابتدای تشکیل این هیات انتظامی تا سال ۱۳۹۵ تنها ۸ پرونده در هیات انتظامی بانک‌ها بررسی شده است.^۱ وجود پدیده‌ی درب‌های گردان و گردش نیروی انسانی از بانک مرکزی به بانک‌ها نیز دیگر مصادیق تعارض منافع ساختاری است. در موارد متعدد کارکنان بانک مرکزی پس از پایان خدمت یا حین خدمت در بانک‌ها و موسسات اعتباری مشغول شده‌اند. البته رویه برعکس آن نیز وجود دارد، مدیری از بانک‌ها به بانک مرکزی مامور می‌شود و پس از پایان مأموریت مجدداً به شبکه‌ی بانکی باز می‌گردد. تعارض منافع ناشی از درب‌های گردان یا گردش نیروی انسانی بدین شکل بروز می‌یابد که برای مثال مدیری که در بخش نظارت بانک مرکزی فعالیت می‌کند می‌داند که اغماض از خطاها و مدارای با بانک‌ها در زمان مسئولیت، احتمال اشتغال او در بانک‌ها را پس از اتمام مسئولیت افزایش خواهد داد و بدین ترتیب منافع شخصی خود را همراه با سخت‌گیری و جدیت در انجام وظیفه نظارتی خود نمی‌بیند. آن روی قصه هم بدین شکل اتفاق می‌افتد تصور کنید یکی از شاغلین شبکه بانکی احتمالاً در دوره بعد به عنوان رئیس کارکنان بانک مرکزی معرفی شود در این صورت آینده‌نگری کارکنان بانک مرکزی اقتضاء می‌کند بر اساس توزیع احتمالی که برای مساله اشتغال شاغلین بانک‌ها در بانک مرکزی دارند با آن‌ها مدارا کنند. بخشی از مساله استاندارد دوگانه در رفتار نظارتی بانک مرکزی را می‌توان در چارچوب درب‌های گردان تحلیل کرد. خلاصه اینکه منافع شخصی (اشتغال پس از دوره مدیریت در بانک مرکزی) می‌تواند بر انجام صحیح مأموریت (نظارت بر بانک‌ها) مؤثر واقع شود.

۲. تعارض منافع ناشی تعارض درآمد-وظایف

از دیگر مصادیق تعارض منافع مالی میان بانک مرکزی و بانک‌ها، منتفع گردیدن بانک مرکزی از وقوع تخلفات شبکه بانکی است. بررسی قانون پولی و بانکی کشور در خصوص نحوه تعیین حقوق و مزایای بانک مرکزی ظاهراً ارتباطی بین عملکرد شبکه بانکی با پاداش‌ها و مزایای کارکنان را نشان نمی‌دهد. حقوق و مزایای هیات عامل بانک مرکزی توسط مجمع عمومی تعیین و از محل بودجه پرداخت می‌شود. اما نکته

^۱ مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۵)، "آسیب‌شناسی نظام بانکی ۱۷، عدم نظارت مؤثر بانک مرکزی بر بانک‌ها و مسئله اقتدار" شماره مسلسل ۱۵۱۸۷

آنجاست که بر اساس ماده ۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (مصوب ۱۳۸۰) تغییر ارقام درآمدی و هزینه‌ای بودجه‌ای شرکت‌های دولتی تنها به مصوبه مجمع عمومی و جلب نظر سازمان برنامه و بودجه‌ای کشور نیاز دارد و در صورتی که جرائم دریافتی از بانک‌ها بابت اضافه برداشت‌ها افزایش یابد، بانک مرکزی می‌تواند با مصوبه مجمع عمومی به همان میزان هزینه پرسنلی یا سایر هزینه‌های خود را افزایش دهد. یعنی در سال‌هایی که به عنوان مثال، عدم نظارت مقتدرانه بانک مرکزی زمینه ساز مشکلات بانک‌ها و افزایش اضافه برداشت آنها گردیده اتفاقاً درآمدهای بانک مرکزی افزایش یافته و از آنجایی که اصلاح اقلام هزینه‌ای از جمله هزینه پرسنلی به عهده مجمع عمومی است بانک مرکزی در تخصیص پاداش‌ها و مزایای بیشتر دست بازتری دارد.^۱

دیگر مصداق تعارض منافع مالی، مشارکت حقوقی بانک مرکزی با بانک‌ها در برخی از شرکت‌هاست. به عنوان نمونه مالکیت شرکت ملی انفورماتیک و شرکت پرداخت الکترونیکی پرداخت کارتی (شاپرک) با بانک مرکزی و برخی از بانک‌هاست و بانک مرکزی از کارمزد دریافتی حاصل از ارائه این خدمات، منتفع می‌شود در حالی که خود وظیفه تعیین حداقل و حداکثر کارمزد خدمات بانکی را به عهده دارد.

خروجی این سیستم نظارتی همراه با تعارض منافع این شده است که خلق پول بانکی صرف تامین مالی شرکت‌های زیر مجموعه و اشخاص مرتبط و وابسته با آنها شده و مابقی خانوارها و بنگاه‌ها که ربط و نسبتی با بانک‌ها ندارند از آن محروم خواهند شد.

در انتهای این بخش، فهرست تعارض منافع‌های موجود در بخش نظارت بانک مرکزی به شکل زیر فهرست می‌شود:

ارتباط با نابرابری در بخش مالی	مصادیق			
تعارض منافع مقام ناظر با اشخاص تحت نظارت موجب وابستگی مقام ناظر شده و مغایر با اصل استقلال تنظیم‌گر است. تصاحب مقام	بانک مرکزی قاعده‌گذار تراکنش‌هاست اما خود در شرکت خدمات انفورماتیک مجری هم هست.	قاعده‌گذار - مجری	نهادهی	تعارض منافع
	حضور بانک‌ها در هیأت انتظامی	ناظر - اشخاص تحت نظارت		

<p>ناظر توسط اشخاص تحت نظارت موجب عدم نظارت مقتدرانه بانک مرکزی بر بانکها می گردد که این مساله از دو کانال بر نابرابری موثر شده است:</p> <p>(۱) بهره کشی اشخاص مرتبط با بانکها و نابرابری در دسترسی به کمیت و کیفیت خدمات مالی</p> <p>(۲) ظهور بازیگران بد و افزایش نرخ بهره با راه اندازی جنگ نرخ سود که خود موجب چولگی بیشتر سپرده ها گردیده است.</p>	وظیفه بانک مرکزی انتظام بخشی به بانک هاست ولی از تخلف آن بهره مند می شود.	درآمد- وظایف	فردی
	کارمندان بانک مرکزی منعی برای سهامداری بانکها ندارند.	سهامداری	
	کارمندان بانک مرکزی می توانند همزمان به طور پاره وقت در اشخاص تحت نظارت مشغول فعالیت شوند.	اشتغال همزمان	
	کارمندان بانک مرکزی بدون هیچ محدودیت و قواعد انتظام بخشی می-توانند از اشخاص تحت نظارت تسهیلات یا خدمات مالی دیگر دریافت کنند.	رابطه مالی	
	در بسیاری از موارد کارمندان بانک مرکزی پس از اشتغال در بانک مرکزی، در بانکهای تجاری شاغل شده اند.	دربهای گردان	
	مدارا با بانکهای متخلف به دلیل از دست ندادن حمایت در انتخابات	انگیزه های سیاسی	

عوامل سمت عرضه موثر بر جیره بندی اعتبار

متأسفانه مرکز پژوهش‌های و سایر گزارش‌های مکمل تا کنون به صورت منسجم و مجزا به ریشه‌یابی مساله جیره‌بندی اعتبار و علل سمت عرضه آن نپرداخته‌اند اما در این قسمت به صورت اجمالی به این محور پرداخته می‌شود. یکی از دلایل اصلی جیره‌بندی اعتبار تعریف نشدن ساختار سیاست پولی در کشور و آشفتگی بانک مرکزی در انتخاب اهداف عملیاتی است. توضیح اینکه، وقتی بانک مرکزی نرخ سود بین بانکی را به عنوان هدف عملیاتی خود انتخاب کند و عرضه ذخایر را درون‌زا نماید، منحنی عرضه وام نیز در شبکه بانکی افقی و درون‌زا می‌شود یعنی تقاضای وام در هر سطحی تامین مالی می‌شود. علت این امر این است که در این سیستم هزینه تامین ذخایر، هزینه‌های نهایی وام‌دهی و ثابت خواهد بود است و از تئوری اقتصاد خرد می‌دانیم در صورتیکه هزینه نهایی بنگاه ثابت باشد، نمودار عرضه بنگاه نیز افقی خواهد بود. اگر بانک مرکزی اهداف عملیاتی را هدف‌گیری نماید (به عنوان نمونه سال‌های ۹۲-۹۶) که عرضه ذخایر هدف‌گیری شد منحنی عرضه ذخایر عمودی بوده و در نهایت منحنی عرضه وام نیز عمودی می‌شود و نرخ بهره تسهیلات به شدت افزایش پیدا می‌کند. اما بانک مرکزی با ابلاغیه‌ها و بخشنامه‌های نرخ سود، اجازه افزایش نرخ سود تسهیلات را نمی‌دهد و موجب می‌شود بازار با عدم تعادل همراه شود. به طور خلاصه انتخاب کل‌های پولی به عنوان هدف عملیاتی دامن زننده جیره‌بندی اعتبار بوده و زمانیکه با محدودیت‌های نرخ سود همراه شود جیره بندی را تعمیق می‌کند. تعریف سیاست پولی دقیقاً به این معناست که تعادل بازار پول و بازار کالاها و خدمات را تنظیم کند و اگر بخش واقعی نیازمند اعتبار است با کاهش هزینه نهایی وام دهی این مهم اتفاق بیفتد و طبیعی است زمانیکه کشور اساساً از سیاست پولی ندارد و سیاست پولی او تابع نظام ارزی و با هدف تثبیت نرخ ارز است شاهد عدم تعادل‌های جدی در بخش واقعی و بخش پولی تحت عنوان جیره بندی اعتبار باشیم.

یکی از مشکلاتی که به ویژه در سال‌های اخیر مانعی بر موانع پیشین مقابل اعطای تسهیلات بانک‌ها افزوده است ناترازی بانک‌ها و کاهش شدید توان اعطای تسهیلات آن‌هاست. شبکه بانکی ناسالم تنها به تداوم بازی پونزی فکر می‌کند و تسهیلات دهی مساله اصلی آن نیست. علاوه بر این، وجود بانک‌های ناسالم در شرایطی که بانک مرکزی نیز رویکرد انقباضی در سیاست پولی را پیش گرفت موجب شد بانک‌های ناسالم به عنوان پیشران یک رقابت مخرب بر نرخ سود سپرده عمل نمایند و با افزایش قابل توجه نرخ سود سپرده زمینه ساز نابرابری بیشتر سپرده‌ها گردند.

نکته دیگر این است که نرخ سود هر تسهیلاتی دو بخش دارد که نرخ بهره بدون ریسک و صرفه ریسک و زمانیکه نرخ سود وام‌ها به صورت یکسان برای همه و دستوری ابلاغ شود، بانک در صورتیکه که به بخشنامه بانک مرکزی پایبند باشد دو راه پیش‌روی خود می‌بیند یا از اعطای وام به افرادی که صرفه ریسک آن‌ها

بیشتر از صرف ریسک ابلاغ شده است خودداری می کند (وام را به شرکت های خود که آن ها را می شناسد اعطا می کند) یا اینکه از افراد پر ریسک وثیقه های بسیار مطمئن و کم ریسک (املاک و مستغلات) طلب می کند. هر کدام از این دو اقدام بانک خود موجب تشدید جیره بندی اعتبار و نابرابری است افرادی که دارای بیشتری دارند و یا افرادی که با بانک ها مرتبط هستند، از وام بیشتری برخوردار می شوند.

عامل دیگری که به تشدید جیره بندی اعتبار دامن زده است، توسعه نیافتگی اعتبارسنجی و نهاد ضمانت در شبکه بانکی است. وجود عدم تقارن اطلاعات یعنی عدم امکان تمایز مشتریان خوب از مشتریان بد موجب می شود بانک از پرداخت تسهیلات خودداری کند یا وثائق سخت از مشتریان مطالبه کند. در صورتیکه نظام اعتبار سنجی مشتریان در شبکه بانکی توسعه یابد و بانک ها اطمینان کافی نسبت به درجه اعتباری موسسات اعتبار سنجی داشته باشند، خواهند توانست با نرخ سود کمتر و به افراد بیشتری تسهیلات دهند. نهاد اعتبار سنجی تحت عنوان شرکت مشاوره رتبه بندی ایران در سال ۱۳۸۵ تأسیس شد اما متأسفانه از ابتدا این نهاد مشحون از تعارض منافع تعریف شد. سهامداران این نهاد بانک ها و موسسات اعتباری هستند در حالیکه نهاد اعتبار سنجی باید یک شخص ثالث باشد تا فارغ از سوگیری به طرفین، اعتبار سنجی اتفاق بیفتد.

تفکیک نهاد ضمانت و بانک ها و توسعه این نهادهای تضمین تعهدات نیز می تواند شرکت هایی تخصصی در حوزه های مختلف کشور ایجاد کند که با هزینه ی کمتری پروژه ها را ارزیابی می نمایند و تضمین این نهادها می تواند مبنای بانک ها برای اعطای تسهیلات باشد. نکته اصلی که توسعه نهاد ضمانت و اعتبار سنجی در کاهش نابرابری دارد این است که دیگر نیاز نیست بنگاه دارایی ثابت نظیر ملک و زمین داشته باشد تا به تسهیلات دسترسی پیدا کند بلکه خوش سابقه بودن و داشتن ایده خوب و اثبات آن به نهاد ضمانت اعتبار موجب می شود، بتوانند تامین مالی شوند.

عامل دیگری که موجب نابرابری شده و اگرچه می توان آن را معلول عوامل فوق دانست ولی نمی توان آن را نادیده گرفت مدل کسب و کار بانک ها است. یکی از راه های اصلی دسترسی به تسهیلات و مدل کسب و کار بانک ها، وام دهی بر اساس میانگین سپرده است، که موجب می شود افرادی که متمکن هستند به تسهیلات دسترسی بیشتر و بهتری داشته باشند. از سوی دیگر اساساً تامین مالی خرد^۱، مدل کسب و کار هیچ یک از بانک های فعلی نبوده اند. پیامد این ماجرا این است که شعب بانک ها در روستاها سودآور نیستند و پس از مدتی بانک ها به این نتیجه می رسند که باید این شعب تعطیل شوند، این توضیح علت نابرابری نقاط خدمات دهی در مناطق شهری و روستایی را تا حدی توضیح می دهد.

^۱ Microcredit

جمع بندی

در این بخش نشان داده شد که تعارض منافع بانک مرکزی با بانکها مانع نظارت مقتدر بانک مرکزی بر بانکها شده است و غیاب این نظارت مقتدر موجب شده بهره کشی سهامداران و شرکت های زیر مجموعه از بانک موجبات نابرابری دسترسی به تسهیلات را فراهم کند. همچنین این عدم نظارت موجب ناترازی شبکه بانکی گردیده است که بانکها توان تسهیلات دهی را نداشته باشند و تامین مالی بنگاهها و خانوارها مختل شود.

مروری بر تحولات سیاست گذاری از منظر تاثیر بر فقر و نابرابری در بخش مالی همانگونه که در بخش پیش مشخص شد، نابرابری شدید و غیر قابل اغماض موجب شد سیاست گذاران در موارد مختلف به این حوزه ورود داشته باشند.

از جمله ای این ورودها می توان به طرح بنگاه های زود بازده اشاره کرد. آیین نامه اجرایی گسترش بنگاه های کوچک^۱ اقتصادی زود بازده و کارآفرین در تاریخ ۸۴/۸/۱۹ در هیات دولت مصوب شد. هدف این آیین نامه توزیع عادلانه منابع به ویژه در مناطق محروم تر عنوان شد و بانک مرکزی موظف شد ترتیبی اتخاذ نماید تا در سال ۸۴ معادل ۲۰ درصد از منابع نظام بانکی به این بنگاهها تخصیص یابد و در سال های بعد به ۵۰ درصد برسد. در این آیین نامه به تسهیلات اعطایی یارانه سود و کارمزد تعلق می گرفت و تسهیلات با نرخ ترجیحی به دست بنگاه ها می رسید.

نابرابری در دسترسی بنگاهها به تسهیلات به ویژه بنگاه های کوچک و متوسط، سیاست گذار را بدین سمت سوق داد اما متأسفانه با مساله شناسی ضعیف و غیر جامع راهکاری پیش گرفت که نتیجه نداد. مرکز پژوهش های مجلس در گزارشی به شماره مسلسل ۱۲۶۷۸ در سال ۱۳۹۱ به ارزیابی این طرح پرداخت و نسبت انحراف آن را ۶۰ درصد عنوان کرد. نکته ی مهم و درس آموز از اجرای چنین طرحی این است که اگرچه تامین مالی بنگاه های کوچک و متوسط هدف مطلوبی است اما :

- ۱- اعطای نرخ های ترجیحی در نقطه ی آغاز موجب انحراف خواهد شد.
- ۲- مساله تامین مالی بنگاه های کوچک و متوسط صرفاً با الزام شبکه بانکی به پرداخت تسهیلات حل نمی شود
- ۳- راهکار پیشنهادی نباید موجب کاهش توان تسهیلات دهی بانکها شود. افزایش معوقات بانکی موجب کاهش توان تسهیلات دهی بانکها می شود و بنا به گفته رییس کل بانک مرکزی نسبت

مطالبات معوق این طرح ۲۵ درصد بوده است.^۱

مسکن مهر دیگر اقدام سیاست گذار در حوزه بهبود دسترسی خانوار به تسهیلات بود که در سال های اخیر از آن سخن به میان آمده است. در این طرح بانک مسکن مکلف به اعطای تسهیلات شد و بانک مرکزی نیز ۵۵۵ هزار میلیارد ریال خط اعتباری به وی پرداخت کرد. طرح مسکن مهر از زوایای مختلفی مورد انتقاد قرار گرفته است اما ارزیابی منصفانه از این طرح آموزه های زیر را در بر دارد:

- ۱- میزان انحراف این طرح تقریباً صفر بوده است، تسهیلات اعطایی صرف ساخت مسکن مهر گردید.
- ۲- استقراض ۵۵ هزار میلیارد تومانی به بانک مسکن عملاً سرازیر کردن پول پر قدرت به بازار بین بانکی بود که فارغ از چارچوب سیاست پولی اتفاق می افتاد. افزایش ۱۰۰ درصدی پایه پولی نشان داد که عملاً تامین مالی این طرح به بهای رهاسازی سیاست گذاری پولی اتفاق افتاد.

قانون گذار نیز در موارد گوناگون به مساله دسترسی به تسهیلات ورود کرده است. ورود قانون گذار به این موضوع را می توان در قالب دو مورد زیر طبقه بندی کرد:

- (۱) تغییر قواعد تسهیلات دهی
- (۲) مداخله مستقیم در تسهیلات دهی

در ماده (۱) قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی مصوب ۱۳۸۶ تصریح کرده است که "به منظور تسريع، تسهیل و تقویت سرمایه گذاری در طرح های تولیدی (اعم از کالا یا خدمت) دریافت وثیقه خارج از ارزش دارایی و عواید آتی طرح، از گیرندگان تسهیلات که توان مجری و توجیه اقتصادی، فنی و مالی و قابل ترهین طرح آنها به تأیید بانک می رسد، توسط بانک های عامل ممنوع است."

تقلای قانون گذار برای بهبود دسترسی بنگاه ها موجب گردید که قانون جای مقررات گذاری را گرفته و ضوابط وثیقه گیری را تعیین نماید. این ها همه نشان می دهد عطش بنگاه ها و خانوار به تسهیلات توسط سیاست گذاران کشور درک شده اما به دلیل عدم مساله شناسی دقیق، تلاش های هر چند اندک آن ها نیز به ثمر ننشسته است.

تسهیلات قرض الحسنه ازدواج و قانون اشتغال پایدار روستایی نیز از جمله مداخلات مستقیم قانون گذار به مقوله تسهیل دسترسی به تسهیلات بانکی است. قانون گذار از قانون بودجه ۱۳۹۵ به مقوله تعیین میزان تسهیلات قرض الحسنه ازدواج ورود کرد و سقف آن را از ۳۰ میلیون ریال به ۱۰۰ میلیون ریال افزایش داد.

^۱ <https://www.isna.ir/news/۹۳۰۵۲۰۰۹۸۸۵>

این رویه از سال ۹۵ ایجاد شده است که هر ساله سقف وام ازدواج در بودجه تعیین می شود. به دلیل سامانه جامعی که برای قرض الحسنه جوانان با دسترسی های لازم به ثبت احوال و ... ایجاد شده است میزان انحراف این تسهیلات نیز بسیار ناچیز است.

قانون اشتغال پایدار روستایی با ارائه لایحه ای از سوی دولت، به مجلس شورای اسلامی ارجاع شد که ضمن آن ۱.۵ میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی به بانک های عامل پرداخت می شد تا این بانک ها ضمن افزودن سهم ۵۰ درصدی خود به تسهیلات دهی به بخش های مندرج در قانون بپردازند. میانگین نرخ سود تسهیلات موضوع این قانون ۶ درصد تعیین شد که نرخ بسیار جذابی برای سرمایه گذاران بوده است. اگرچه هنوز ایراد نرخ ترجیحی در ابتدای شروع کار می تواند این طرح را به سرنوشت طرح بنگاه های کوچک و زودبازده گرفتار کند، اما انتشار عمومی اسامی شرکت ها و افراد دریافت کننده تسهیلات از سوی وزارت کار می تواند میزان انحراف را کاهش دهد.

پیشنهادهای سیاستی

مطالعه تجربه سیاست گذاری کشور در دو حوزه تسهیل قواعد دریافت تسهیلات و مداخلات مستقیم برای اعطای تسهیلات نشان از ورود غیر آسیب شناسانه سیاست گذار به حل مسائل بانکی داشته است. برای حل ریشه ای معضل تامین مالی به نحوی که موجب کاهش نابرابری شود و به تعبیر دقیق تر زمینه ساز بهبود پایدار و فراگیر تامین مالی در کشور گردد. با آسیب شناسی که در بخش تحلیل و تشریح علل نابرابری در بخش مالی انجام شد می توان اقدامات و سیاست هایی برای افزایش دسترسی فراگیر به تامین مالی و سرمایه گذاری در بخش مالی ارائه کرد. به طور کلی سیاست های پیشنهادی را می توان به شرح زیر طبقه بندی کرد:

- ۱- تقویت بانک مرکزی برای انجام وظایف نظارتی و سیاست گذاری پولی
- ۲- اصلاح نظام بانکی و اصلاح ترازنامه ی بانک ها
- ۳- توسعه ی زیرساخت های لازم برای گذار از نظام وثایق سخت به نظام وثایق نرم

تقویت بانک مرکزی برای انجام وظایف قانونی

بانک مرکزی قواعد بازی را برای شبکه بانکی تعیین می کند و زمانی می تواند از عهده این وظیفه ی خطیر برآید که حکمرانی خود بانک مرکزی او را بدین سمت سوق دهد که قواعد بازی را در راستای منافع عمومی تنظیم کند. بنابراین تا زمانی که اصلاح حکمرانی بانک مرکزی اتفاق نیفتد، قواعد بازی در شبکه بانکی تغییر نمی کند و تا زمانی که قواعد بازی در شبکه بانکی تغییر نکنند نمی توان بهبود پایدار و فراگیر وضعیت تامین مالی را در کشور مشاهده کرد. با این وجود حکمرانی بانک مرکزی ایران دچار ضعف های جدی است که محورهای آن در شکل زیر قابل مشاهده است:

جدول ۸: چالش های حکمرانی بانک مرکزی

ساختار حکمرانی	تعارض منافع	سازمانی	با دولت: استقلال مقام پولی (سلطه مالی)
			با بانکها
		شخصی	درب های گردان
	عدم پاسخگویی		
	عدم شفافیت		
	ضعف اقتدار نظارتی		
	نظام تصمیم گیری	غیر متخصص بودن شورای تصمیم گیر	

ماخذ: گزارش کلیات طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران قسمت بانک مرکزی، چاپ نشده
اصلاح ساختار حکمرانی بانک مرکزی در همه موارد فوق نیازمند اصلاح قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ است و این وضعیت حکمرانی بانک مرکزی نتیجه اجرای قانون پولی و بانکی کشور بوده است. بنابراین اولین سیاست در راستای بهبود وضعیت فقر در بخش مالی ارائه لایحه یا تصویب طرح به منظور اصلاح قوانین پولی و بانکی کشور با مختصات ذیل می باشد:

- ۱- تعریف قانون گزیر و نظام ورشکستگی مختص بانکها
- ۲- استقلال بانک مرکزی از دولت و از اشخاص تحت نظارت
- ۳- وضع قواعد تعارض منافع به منظور کنترل تعارض منافع ذکر شده در بخش های پیش این گزارش
- ۴- شفافیت و پاسخگویی بانک مرکزی به عموم و انتشار آزاد اطلاعات مربوط به سیاست پولی و نظارتی
- ۵- باز تعریف ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار با محوریت تخصصی ساختن و تمام وقت بودن اعضا

اصلاح نظام بانکی و اصلاح ترازنامه های بانکها

اصلاح حکمرانی بانک مرکزی، موجب می شود قواعد بازی به نفع عموم بنگاه ها و مردم تغییر کند اما تا زمانیکه بازیگران بد و بانک هایی با ترازنامه ها ناتراز در بازار پول حضور داشته باشند نمی تواند به پایداری شبکه بانکی به قواعد بازتعریف شده امیدوار بود. از سوی دیگر حجم بالای مطالبات غیرجاری و موهومی در شبکه بانکی توان اعطای هرگونه تسهیلات جدید را از شبکه بانکی سلب کرده است. بنابراین یکی دیگر از اقدامات راهبردی به منظور ارتقای پایدار و فراگیر تامین مالی، اصلاح نظام بانکی و حل و فصل بانک های ناسالم از بازار پول است. همانطور که در بخش تحلیل علل نابرابری مطرح شد، وجود این بانک ها خود موجب رقابت مخرب بر نرخ سود و نابرابری بیشتر سپرده ها گردید. بنابراین لازمه مقابله با نابرابری در تسهیلات و سپرده حل و فصل بانک های ناسالم است که باید آن را از دولت مطالبه کرد.

توسعه زیرساخت های لازم برای گذار از نظام وثایق سخت به نظام وثایق نرم

نظام رتبه بندی و اعتبار سنجی در کشور از سال ۱۳۸۶ راه اندازی شده است ولی تا کنون نتوانسته است

جایگزین وثیقه‌های سخت نظیر املاک و مستغلات یا ضامن و ... گردد. دلیل اصلی این ماجرا نیز عدم پشتیبانی اطلاعاتی و حقوقی از این نهاد است. به عنوان نمونه بانک مرکزی از ارائه اطلاعات به شرکت مشاوره رتبه بندی اعتباری ایران خودداری می‌کند. تا کنون قانونی به منظور محافظت از داده‌ها که در آن معین شود چه کسانی چه داده‌هایی را باید در اختیار چه نهادهایی (از جمله شرکت‌های اعتبار سنجی) قرار دهند و محافظت از این داده‌ها با چه ضمانت اجرایی اتفاق خواهد افتاد تصویب نشده است. برخی از سامانه‌هایی که در کشورهای دیگر مهمترین منابع ارزیابی ریسک اعتباری افراد است در ایران راه‌اندازی نشده است به عنوان مثال بازار اجاره مسکن که در ارزیابی ریسک اعتباری افراد حقیقی بسیار اهمیت دارد در ایران در بازار غیر رسمی و شفاف اتفاق می‌افتد. در کنار همه‌ی این مطالب، سهامداران شرکت مشاوره‌ی رتبه‌بندی اعتباری ایران، که باید ریسک اعتباری مشتریان بانک‌ها را اندازه‌گیری کند همگی از بانک‌ها و موسسات اعتباری هستند، در حالیکه این ارزیابی را باید نهادهای ثالث غیر وابسته به شبکه بانکی و مشتریان آن‌ها انجام دهند.

اقداماتی که در این راستا پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تصویب قانون محافظت از داده‌ها که تعیین کننده وضعیت گردش اطلاعات مالی افراد حقیقی و حقوقی باشد.
- ۲- تجمیع اطلاعات مالی تمامی افراد حقیقی و حقوقی در یک مجموعه حاکمیتی
- ۳- زمینه سازی فعالیت شرکت‌های اعتبار سنجی خصوصی و غیر وابسته به شبکه بانکی و مشتریان بانک‌ها به منظور اعتبار سنجی و رتبه بندی

فهرست منابع و مآخذ

۱. آسیب شناسی نظام بانکی ۱۲. الگوها و مبانی نظری رابطه بانک و بنگاه و تحلیل آن در نظام بانکی ایران
۲. آسیب شناسی نظام بانکی ۵. بررسی استقلال مقام ناظر از شبکه بانکی
۳. آسیب شناسی نظام بانکی ۹. توقف و ورشکستگی در نظام بانکی ایران
۴. آسیب شناسی نظام بانکی ۱۷. عدم نظارت مؤثر بانک مرکزی بر بانک ها و مسئله اقتدار
۵. آسیب شناسی نظام بانکی ۱۸. بررسی تعدد توزیع شعب، تجربه کشورها و درس هایی برای ایران
شماره مسلسل ۱۵۲۰۹
۶. آسیب شناسی نظام بانکی ساماندهی تجهیز و تخصیص منابع قرض الحسنه بانک ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی (ویرایش دوم)
۷. بررسی تمرکز تسهیلات بانکی کشور در استان تهران
۸. بررسی عوامل مؤثر بر هزینه های مبادله در فرآیند دریافت تسهیلات بانکی شماره مسلسل ۱۲۸۳۴
۹. الگوی تأمین مالی بنگاه های کوچک و متوسط ۶. تأمین مالی جمعی: مفاهیم، مدل ها و ملاحظات قانونگذاری
۱۰. الگوی تأمین مالی بنگاه های کوچک و متوسط ۱. تحلیلی بر مفهوم و اهمیت تأمین مالی بنگاه های کوچک و متوسط به شماره مسلسل ۱۴۳۸۰
۱۱. الگوی تأمین مالی بنگاه های کوچک و متوسط ۷. تأمین مالی خرد؛ تجربه جهانی و وضعیت ایران
۱۲. الگوی تأمین مالی بنگاه های کوچک و متوسط ۸. توسعه نهاد ضمانت اعتبار
۱۳. آسیب شناسی نظام بانکی ۱۰. تحلیل آمار عملکرد شبکه بانکی در تأمین مالی بنگاه ها و بخش های اقتصادی
۱۴. تأمین مالی نوآوری و سرمایه گذاری خطرپذیر در ایران
۱۵. الگوی تأمین مالی بنگاه های کوچک و متوسط ۳. توسعه صنعت سرمایه گذاری خطرپذیر در ایران
۱۶. الگوی تأمین مالی بنگاه های کوچک و متوسط ۲. بانکداری ویژه کسب و کارهای کوچک و متوسط: تجربیات جهانی و راهکارهای توسعه در ایران
۱۷. بسته مدیریت نقدینگی و مهار تورم کشور
۱۸. پایش محیط کسب و کار ایران در زمستان ۱۳۹۵ به شماره مسلسل ۱۵۴۴۳

۱۹. گزارش مرور نظام مالی در زمستان ۹۷، چاپ نشده
۲۰. علی ربیعی، (۱۳۹۸)، نابرابری، رشد فراگیر، نظام تامین مالی ارائه شده در همایش پول و توسعه دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۱. گزارش بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور ۵۷. تبصره «۱۶» بندهای «الف»، «ب» و «ج» - تسهیلات قرض الحسنه به شماره مسلسل ۱۶۲۹۱
۲۲. اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح اصلاح قانون حمایت از تولید و اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری» به شماره مسلسل ۱۶۶۹۵
۲۳. گزارش طرح کلیات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: قسمت بانک مرکزی، چاپ نشده.